

تفسیر ترتیبی براساس شأن نزول ثمره عملی ندارد

نویسنده کتاب «مهندسی فهم و تفسیر قرآن» با بیان اینکه تفسیر ترتیبی، مقدمه تفسیر موضوعی است اما مقدم بر تفسیر موضوعی نیست، گفت: شیوه تفسیر ترتیبی بر اساس شأن نزول نه امکان علمی، نه جواز شرعی و نه ثمره عملی دارد.



نویسنده کتاب «مهندسی فهم و تفسیر قرآن» با بیان اینکه تفسیر ترتیبی، مقدمه تفسیر موضوعی است اما مقدم بر تفسیر موضوعی نیست، گفت: شیوه تفسیر ترتیبی بر اساس شأن نزول نه امکان علمی، نه جواز شرعی و نه ثمره عملی دارد. حجت الاسلام والمسلمین مجید حیدری فر، نویسنده کتاب «مهندسی فهم و تفسیر قرآن» درباره این اثر به خبرنگار مهر گفت: در پایان بخش اول این اثر با موضوع روش شناسی تفسیر ترتیبی بیان کردیم که ترتیب دو زیرشاخه دارد؛ یکی ترتیب براساس مصحف موجود و یکی هم ترتیب براساس نزول آیات قرآن مجید. همه تفاسیری که علمای اعلام چه عامه و چه خاصه نوشتند براساس ترتیب فعلی مصحف است، البته عده ای ادعای متواتر بودن را کردند اگر ادعای تواتر هم نکنیم حداقل مقبولیت و مشروعیت همگانی این بحث قابل انکار نیست که از زمان امام علی(ع) تا امروز در معرض دید علما و ائمه معصومین(ع) بود. آنها همین قرآن را قرائت و تدبر کردند و سفارش کردند که بخوانیم و با آن زندگی کنیم. هیچ توصیه ای به اینکه قرآن را براساس نزول تفسیر کنید، زندگی و تدبر کنید و ... دیده نمی شود، هیچ جا چنین چیزی نیامده است.

وی در ادامه سخنانش افزود: بر این اساس آمدم تفسیر براساس شأن نزول را در سه مرحله بحث کردیم؛ یکی امکان علمی، یکی جواز شرعی و یکی هم ثمره عملی. گفته شد که امکان علمی ندارد، چون متأسفانه امکان دسترسی عالمانه به ترتیب نزول وجود ندارد، اگر می خواهیم تفسیر براساس ترتیب نزول داشته باشیم باید ترتیب نزول را به دست بیاوریم بعد براساس آن، تفسیر بنویسیم اما ما راهی برای به دست آوردن ترتیب نزول نداریم.

وی با اشاره به اینکه برای تهیه ترتیب نزول دو راه بیشتر وجود ندارد، اظهار داشت: باید یا براساس گزاره های تاریخی یا براساس روایات معصومان به آنها دست پیدا کنیم. اما هیچ کدام از اینها وافی به مراد نیست، نه گزاره های تاریخی قابل اعتمادی وجود دارد. بله! در متواترات تاریخی وجود دارد مثلاً می دانیم که جنگ فتح مکه بعد از جنگ احد و بدر بوده است و شکی در اینها نیست اما بحث بر سر این است که ما ادعا کنیم که ترتیب همه آیات و همه سوره ها را به صورت دلیل معتبری پیدا کنیم که دلیل معتبری در این رابطه وجود ندارد.

این محقق و استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به اینکه نه گزاره تاریخی معتبری و نه روایت معتبری داریم، گفت: بر فرض اینکه روایت معتبری وجود داشته باشد بر مبنای نظر حضرت علامه طباطبایی و شیخ الاسلام آیت الله جوادی آملی، «مهندسی فهم و تفسیر قرآن»؛ خبر واحد؛ در حوزه امور نظری کاربرد ندارد. کاربرد خبر واحد در حوزه فقه و حقوق و تکلیف و اعمال به درد می خورد در حوزه مباحث نظری شما بگوئید این سوره قبل از این سوره است. پس نتیجه گیری می کنیم در اینجا کاربردی ندارد. هر چند که خبر معتبر نداریم، وقتی «مهندسی فهم و تفسیر قرآن»؛ اخباری از ابن عباس را در این رابطه نقل کرده، می گوید اگر این را به بقیه افراد اضافه کنیم اینها می شود سلسله دروغگویان. همچنین سیوطی در کتاب «الاتقان»؛ می گوید اینها دروغگویان عالم هستند. بنابراین چند روایتی که از ابن عباس رسیده اینها قابل اعتماد نیست. بنابراین در حوزه تفسیر تنزیلی و تفسیر براساس ترتیب نزول، امکان علمی نداریم.

وی با تأکید بر اینکه در مرحله دوم اینکه جواز شرعی نداریم، تصریح کرد: دلیلی بر مشروعیت این روش هم نداریم چون نه روایتی از ائمه(ع) نداریم که این روش را سفارش کرده باشند. نه بیانی خودشان دارند و نه به کسی ارجاع دادند. تنها مستمسکی که هست این است که مصحف امام علی(ع) براساس ترتیب نزول بوده است؛ اولاً معلوم نیست که درست باشد. درست است که نگارش براساس ترتیب نزول بوده، چون قرآن وقتی نازل می شده نگاشته می شده است، اما منظور ایشان از اینکه فرموده اند: من عبا بر دوش نگرفتم، مگر برای نماز و از خانه بیرون نرفتم فقط نشستم قرآن را جمع کردم. آیا این جمع آوری هم براساس ترتیب نزول بوده است یا براساس ترتیب نزول نبوده است؟! دلیلی در این زمینه به دست ما نرسیده است و اگر مصحف امام علی(ع) هم وجود دارد. بر فرض هم براساس ترتیب نزول باشد نزد دیگر ائمه(ع) هم بوده پس چرا آنها از این روش برای تفسیر استفاده نکردند و توصیه نکردند که از این روش استفاده کنید. پس دلیلی بر جواز شرعی این کار نداریم.

نویسنده کتاب «مهندسی فهم و تفسیر قرآن»؛ اذعان کرد: در مرحله سوم نوشتیم که این کار ثمره عملی هم ندارد. برای اینکه اگر ترتیب نزول را کشف کنیم، اما پیوند درونی آیات و سوره ها را با هم کشف نکنیم هیچ فایده ای ندارد. مثل اینکه یقین پیدا کنیم که امروز آیه ای در مورد طلاق زن باردار آمده است، فردا آیه ای در مورد کشتن منافقان و جهاد با کفار آمده است. یقین می

دانیم که این سوره بعد از آن سوره آمده است، اما این سوره ها چه ربطی به هم دارند؟! آیه ای در مورد زکات و نماز آمده، آیه ای هم فردا در مورد این آمده که اگر زن شوهر داری آلوده دامن شود به حبس ابد محکوم می شود اینها چه ارتباطی با هم دارند؟! تا مادامی که ارتباط درونی آیات و سوره ها کشف نشود هرچند به صورت دفعی ترتیب نزولشان هم کشف شود، اما ثمره ای در تفسیر ندارد. پس بنابراین اثبات کردیم که این شیوه تفسیری سودمند نیست و به درد نمی خورد.

وی یادآور شد: علامه طباطبایی « در قرآن در اسلام؛ فرمودند که این شیوه، شیوه بی فایده ای است، برای خاطر اینکه روایاتی که در این زمینه وارد شده است قابلیت گفتگو ندارد. مرحوم علامه معرفت در کتاب « تفسیر و مفسران؛ همین بحث را ارائه می کند و معتقد است این کار، کار بی فایده ای است. قبل از این دو هم، « سید قطب؛ هم در مقدمه « فی ظلال القرآن؛ نوشته است که از ابتدا شروع کردم که با این روش کار کنم و شیوه خودم را این گونه قرار دادم که کتاب « مشاهد القیامة؛ را در این ارتباط بنویسم، بعد دیدم که این کار بی فایده است و بنابراین آنرا کنار گذاشتم و تفسیر ترتیبی مصحف موجود را انتخاب کردم و بنابراین کتاب فی ظلال القرآن را نوشت. براین اساس ما نوشتیم که این شیوه تفسیر نه امکان علمی دارد نه جواز شرعی دارد و نه ثمره عملی دارد.

حیدری فر در ادامه سخنانش بیان کرد: در بخش دوم این اثر به تفسیر موضوعی پرداختیم؛ ابتدا تفسیر موضوعی را تعریف کردیم، چیستی تفسیر موضوعی و پیشینه شناسی آنرا بیان کردیم و گفتیم همزاد قرآن کریم است و در سخنان پیامبر(ص) و امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) و دیگر ائمه وجود دارد. زیارت غدیری و جامعه کبیره امام هادی(ع) هم تفسیر موضوعی است. بعد هم پژوهشهایی که در رابطه با تفسیر موضوعی نوشته شده را بیان کردیم و حتی آثار معاصرین حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، مصباح و شیخنا الاستاد جوادی آملی را بیان کردیم و بعد وارد گستره شناسی شدیم، یعنی در گامهای تفسیر موضوعی شش مرحله را بیان کردیم که این نوع بحث و قلم زدن و نگارش در حوزه روش شناسی تفسیر ترتیبی و در روش شناسی تفسیر موضوعی بی سابقه است و وجود ندارد. چینی کتابی در این شکل و قالب وجود ندارد.

وی در پایان سخنانش تصریح کرد: در پایان اثر هم شبهات مخالفان تفسیر موضوعی را بررسی کردیم که عده ای با تفسیر موضوعی مخالف هستند. می گویند تفسیر موضوعی هم شبهات عقلی و هم شبهات نقلی روایی و قرآنی دارد. سه شبهه عقلی و یک شبهه روایی وجود دارد که به آن هم پاسخ دادیم و جوازش را اثبات کردیم و در نهایت آمادیم برتری تفسیر موضوعی بر تفسیر ترتیبی را بیان کردیم. تفسیر ترتیبی، مقدمه تفسیر موضوعی است اما مقدم بر تفسیر موضوعی نیست یعنی تفسیر ترتیبی مقدمه است، اما مقدم نیست یعنی امتیازات تفسیر موضوعی از تفسیر ترتیبی بیشتر است، برای اینکه تفسیر موضوعی نظریه اسلام و قرآن درباره یک موضوع را برای ما ارائه می دهد در حالی که تفسیر ترتیبی چنین توانایی ای را ندارد.

وی در پایان سخنانش اظهار داشت: تفسیر ترتیبی نهایت می تواند بگوید که یک آیه را معنا و تفسیر کند اما اینکه نظر قرآن در مورد این موضوع چیست از تفسیر ترتیبی بر نمی آید، یعنی اگر بخواهیم نظامواره نظر قرآنی داشته باشیم فقط می توانیم منظومه فکری قرآن را از راه تفسیر موضوعی به دست بیاوریم از طریق تفسیر ترتیبی چنین چیزی حاصل نمی شود. امتیازات شش گانه ای برای تفسیر موضوعی بیان کردیم، ولی در عین حال عرض کردیم که این مقدمه تفسیر موضوعی، تفسیر ترتیبی است، یعنی اگر کسی بخواهد تفسیر موضوعی انجام دهد اول باید تفسیر ترتیبی انجام دهد تا در آن مهارت پیدا کند و بعد وارد عرصه تفسیر موضوعی شود.